



دکتر فریدون سیامکنزاد

#### مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌کنیم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌کنیم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

نیافم و کار مراجعه‌کنندگان حضوری را هم زودتر راه بیندازم، به ایشان گفتم، آیا می‌شود به جای یک عدد سیب، دو نصفه سیب خورد؟ ایشان گفت: بله که می‌شود. چند ثانیه‌ای به سکوت گذشت و مریض پشت تلفن ظاهراً جواب سؤالش را گرفت و خداحافظی کرد.

### یادداشت ۳

کرم‌ها، پمادها و ژل‌ها، همگی دارای یک فرمولاسیون هستند و اگر در فرمول آن‌ها اسانس نیست، معمولاً در تولید هیچ کارخانه‌ای اسانس وجود ندارد.

مراجعه‌کننده به داروخانه، ژل دیکلوفناک یک کارخانه خاص را می‌خواست، با این استدلال که بقیه بو دارند و مادرم ناراحت می‌شود. برای ایشان شرح دادم که اصولاً ژل دیکلوفناک هیچ کارخانه‌ای اسانس ندارد که بو داشته باشد ولی اصرار مادر شما برای استفاده از ژل دیکلوفناک کارخانه‌ای خاص، به این دلیل است که اولین بار از آن استفاده کرده و مصرف کارخانه‌های دیگر را بر نمی‌تابد. به عبارتی، مسأله بیشتر جنبه روانی دارد، تا مربوط به تولید یک کارخانه خاص باشد!

### یادداشت ۴

ظاهراً برای اولین بار بود که داروی پایین‌آورنده فشارخون برایش تجویز شده بود. همراه با داروهای دیگر نسخه‌اش، دستورات را نوشتیم و راهی‌اش کردم.

### یادداشت ۱

معمولاً برای یک دوره عفونت‌های معمولی دندان، تعداد ۲۰ عدد کپسول آموکسی‌سیلین ۵۰۰ میلی‌گرمی و ۲۰ عدد قرص مترونیدازول ۲۵۰ میلی‌گرمی به صورت هر ۸ ساعت یک عدد از هر کدام کافی است.

نسخه مراجعه‌کننده، مربوط به دندان‌پزشکی بود، ولی نمی‌دانم چرا ۴۰ عدد کپسول آموکسی‌سیلین ۵۰۰ میلی‌گرمی و ۲۰ عدد قرص مترونیدازول ۲۵۰ میلی‌گرمی نوشته بود. از ایشان سؤال کردم که غیر از عفونت دندان، مشکل دیگری داشته است، که پاسخ وی منفی بود. برای ایشان توضیح دادم که ۲۰ عدد کپسول آموکسی‌سیلین اضافی است. ولی اگر یک دوره درمان کامل نشد، حتماً ۲۰ عدد دیگر مترونیدازول ۲۵۰ میلی‌گرمی تهیه کند و با ۲۰ عدد کپسول آموکسی‌سیلین ۵۰۰ میلی‌گرمی اضافی، مثل قبل مصرف کند.

### یادداشت ۲

تلفن که زنگ خورد، داروخانه تقریباً شلوغ بود و من هم دلم نمی‌خواست جواب تلفن را بدهم. چند تا زنگ که زد، مجبور شدم تلفن را بردارم. از آن طرف سیم، آقای سؤالی دارویی داشت. به هر حال، وقتی در داروخانه هستی، مجبوری که کار مردم را راه بیندازی. حال چه مریض حضوری مراجعه نماید، چه کسی تلفنی سؤال کند. مریض پشت تلفن سؤالش این بود که آیا به جای یک قرص آنتولول ۱۰۰ میلی‌گرمی، می‌شود ۲ عدد قرص ۵۰ میلی‌گرمی خورد؟ من برای این که صغری کبری

مریض قبل از ترک داروخانه سؤال کرد: آقای دکتر! همراه با این داروها، دستور غذایی خاصی هم وجود دارد؟

کلی بخور نخور برایش ردیف کردم و توصیه‌های غذایی لازم را به او گوشزد نمودم. در خاتمه هم به ایشان متذکر شدم که نمک خیلی کم بخورد. نگاهی به من کرد و گفت: آقای دکتر! نمی‌توانم به غذا و بعضی میوه‌ها نمک نزنم. با خنده به او گفتم: نمک به هر چیزی می‌زنی بزنی. اولاً کم‌تر بزنی، در ثانی مواظب باش به زخم کسی نمک نزنی!

### یادداشت ۵

بعد از واریسی دقیق پیش‌خوان داروخانه و سؤال راجع به قیمت نخ دندان خارجی، اندکی مکث کرد و گفت: چرا این قدر گران است؟ برایش شرح دادم که کالای خارجی به دلیل مالیات و عوارضی که دارد، معمولاً گران‌تر از تولید داخل است و تهیه آن بستگی به قدرت خرید بیمار دارد! گفت: پس یک نخ دندان ایرانی بدهید. دندان ما با همین نخ دندان ایرانی هم تمیز می‌شود و مابه‌التفاوت قیمت را هم پس‌انداز می‌کنم. بلافاصله

هم ادامه داد که با این پس‌انداز، بعداً یک نخ دندان ایرانی دیگر می‌خرم و کلی به جیبم کمک کرده و تولید داخل را هم پاس می‌دارم!

### یادداشت ۶

جلوی پیش‌خوان داروخانه ایستاد و نام یک شامپوی ضدشوره و ضدریزش مو را آورد. قبل از این که من چیزی بگویم، تکنیسین داروخانه گفت: نداریم. بلافاصله سؤال کرد: آقای دکتر! من یک بار از این شامپو که شما فعلاً ندارید استفاده کرده‌ام و چندان اثری ندیده‌ام. نظر شما چیست؟ به ایشان تذکر دادم که دارو با توکل بر خدا شفاعت است و شامپو هم شامل همین قاعده می‌شود. بعد هم به شوخی ادامه دادم که احتمالاً شامپویی را که استفاده کرده‌اید، به جای ماده مؤثره، داخلش «شیره» بوده که باعث شده شما به جای شامپو، به سرتان «شیره» بمالید! طرف در حالی که دستی به سرش می‌کشید، داروخانه را ترک کرد.